

کارکرد استعاره و تأثیر آن بر القای مفاهیم انتزاعی و حالات روانی در صحیفه سجادیه

Metaphor function and its effect on abstract concepts induction and psychological states in Sahifah Sajjadiah

حسن خلف⁻

Hasan Khalaf⁻

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۵/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۲/۲۴

چکیده

Abstract

Metaphor study is one the most focused literary criticism branches paid attention by critics since last time ago and there are so many words about its role and function. Among the functions stated by critics of this language technique is that it portrays the concepts not perceivable easily in addressed mind and depicts it as a dynamic picture in front of the reader eye. This research attempts to study and explain this aspect of metaphor functions in Sahifah Sajjadiah relying on descriptive-analytical method. For this purpose, first of all, pray literature and Sahifah Sajjadiah writing style is investigated in brief. Then, while studying metaphor position in literary criticism area and its function, we will engage in analyzing the some part of Sahifah Sajjadiah metaphors and its marked role in depicting the natural concepts, abstract and religious concepts. The findings show that in Sahifah Sajjadiah, Imam Sajjad has employed the metaphor not only for adorning his words, but for sensible and objective representation of the words and for affecting the addressed mine.

Keywords: Sahifah Sajjadiah, Metaphor, Image, Abstract and mental concepts.

مطالعه استعاره یکی از کانونی‌ترین محورهای نقد ادبی است که از دیرباز توجه ناقدان را به خود معطوف داشته است و درباره نقش و کارکرد آن سخن‌های بسیاری گفته شده است. از جمله کارکردهایی که ناقدان برای این فن زبانی ذکر کرده‌اند این است که مفاهیمی را که به سادگی قابل ادراک نیستند، در ذهن مخاطب مجسم می‌نماید و آن را به سان تصویر پویا در پیش چشم خوانند ترسیم می‌نماید. این پژوهش می‌کوشد تا به تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی این جنبه از کارکردهای استعاره را در صحیفه سجادیه بررسی و تبیین نماید. به همین منظور، نخست ادبیات دعا و سبک نگارش صحیفه سجادیه به صورت اجمالی مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس ضمن بررسی جایگاه استعاره در حوزه نقد ادبی و کارکرد آن، به تحلیل گوشه‌ای از استعاره‌های صحیفه سجادیه و نقش بارز آن در تصویر مفاهیم طبیعی، مفاهیم انتزاعی و مفاهیم دینی بپردازیم. یافته‌ها نشان می‌دهد که امام سجاد در صحیفه سجادیه، استعاره را نه فقط برای زیبا ساختن کلام خود، بلکه برای محسوس و عینی جلوه دادن کلام تحت تأثیر قرار دادن ذهن شنونده به کار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: صحیفه سجادیه، استعاره، تصویر، مفاهیم انتزاعی و روحی.

⁻ Graduated from Ferdowsi University of Mashhad with a PhD in Arabic Language and Literature; hasan_khalaf84@yahoo.com

⁻ فارغ‌التحصیل دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی مشهد؛ hasan_khalaf84@yahoo.com

مقدمه و طرح مسئله

متون دینی، متون ویژه‌ای هستند که هدف اصلی آن‌ها تربیت، پرورش روح و هدایت است و در عین حال که بر عنصر عقلانیت تکیه می‌کنند، از سازوکارهای متون ادبی و ساختارهای زبانی و هنری گوناگونی بهره می‌گیرند تا شور و عاطفه را در مخاطب برانگیزند، از این رو می‌توان گفت این متون همچون سایر آثار ادبی بن مایه‌ای از هنرهای ادبی را در خود دارند.

صحیفه سجاده یکی از همین متون دینی است که از سازوکارهای هنری برای غنا بخشیدن به الفاظ و معانی خود بهره جسته است تا از این طریق بر شور و هیجان مخاطب بیفزاید. این اثر که در میان سایر متون دینی به عنوان‌هایی همچون «أخت القرآن، انجیل اهل بیت و زبور آل محمد» ملقب شده است (مدنی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۵۱ و ۱۰۰) در عین حال که اثری دعایی و روایی است، بسیاری از جوانب هنرهای زبانی و ادبی را در خود گرد آورده است. این پژوهش در پی آن است تا یکی از جنبه‌های هنری متن صحیفه سجاده، یعنی استعاره را مورد بررسی قرار دهد. شایان ذکر است که استعاره یکی از پر بسامدترین جنبه‌های هنری در صحیفه سجاده است که عمدتاً برای بیان مفاهیم انتزاعی و حالات روانی به کار گرفته شده است؛ بهره‌برداری امام سجاد (ع) از این رویکرد به منظور تبیین مفاهیم و مسائل مورد نظر خود برای مخاطب است چرا که تصویرپردازی، از بهترین مولفه‌های تأثیرگذاری بر مخاطب است.

گفتنی است استعاره ماهیتی تصویری دارد و به دنبال یک ضرورت روانی شکل می‌گیرد تا از یک سو متکلم را در ترسیم عواطف و احساساتش یاری دهد و از سوی دیگر، ذهن خواننده را در درک اهداف مورد نظر گوینده و مفاهیمی که در تصور

نمی‌گنجد، یاری رساند. پژوهش حاضر با رویکرد معناشناختی در پی بررسی کارکرد استعاره‌های به کار رفته در صحیفه سجاده است. بدیهی است پرداختن به همه استعارات صحیفه از حوصله این بحث خارج و بلکه نیازمند به نگارش چند مجلد کتاب می‌باشد، از این رو به گزینش تعداد محدودی از برترین استعارات این اثر پرداخته‌ایم.

پرسش‌ها و فرضیه‌های تحقیق

سوالاتی که در این جستار، پیش‌رو داریم و محور بحث ما قرار گرفته‌اند، این است که هدف از به کارگیری استعاره در متون به طور عام و متون دینی به طور خاص چیست؟ آیا استعاره صرفاً جنبه زیبایی بخشیدن به متن دارد یا کارایی دیگری نیز دارد؟

فرضیاتی که مد نظر خود قرار داده‌ایم، این است یکی از برجسته‌ترین اهداف به کارگیری استعاره می‌تواند ملموس کردن معانی و نزدیک گرداندن آن به ذهن مخاطب باشد. نکته دیگر آن‌که استعاره فقط برای زیبایی بخشیدن به متن به کار نمی‌رود، بلکه اصل در به کارگیری استعاره تأثیر روانی آن بر مخاطب است.

پیشینه تحقیق

جایگاه والای صحیفه سجاده در میان سایر آثار اسلامی و اسلوب زیبا و فنی آن سبب شده از چشم پژوهشگران به دور نماند و از دیرباز شرح‌ها و پژوهش‌های درخوری پیرامون این اثر نگاشته شود؛ از این میان می‌توان به پژوهش‌های زیر اشاره کرد: "تجلی صور خیال در صحیفه سجاده، زیباترین اثر دعایی شیعه"، نوشته حجت رسولی و مجتبی ترکاشوند، فصلنامه ادبیات و هنر دینی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، شماره سوم، سال ۱۳۹۰. "نیایش دوم صحیفه سجاده و تلمیحات قرآنی و نکات بلاغی آن" به قلم جلیل

استعاراتی که در صحیفه سجاده به کار رفته است، در سه بُعد تصویر مفاهیم طبیعی، تصویر مفاهیم انتزاعی و حالات روانی و تصویر مفاهیم دینی تحلیل می‌شود.

دعا و ادبیات نگارش آن در صحیفه سجاده

«ساختمان هنری دعا غالباً از ابزارهای متعددی همچون تصویر، ایقاع، عاطفه و تخیل شکل می‌گیرد؛ هرچند ممکن است در برخی از دعاها، یکی از جنبه‌های فوق‌الذکر خود را نشان ندهد، اما جنبه‌های ایقاع و تصویر محور اساسی دعا را تشکیل می‌دهد که در همه دعاها وجود دارد» (بستانی، ۱۴۱۳: ۳۶۲-۳۷۵).

امام سجاد (ع) در صحیفه سجاده، از تمامی این ابزارهای هنری در تبیین اندیشه‌های الهی و اسلامی سود برده تا این موضوعات را به شیوه‌ای هنری در این موضوعات انتزاعی را در صفحه دل مخاطب ترسیم نماید.

زیبایی عنصر عاطفه در کلام امام سجاد (ع) را می‌توان به راحتی در حمد و ثنای پروردگار جست. ایشان هنگامی که به توصیف خداوند می‌پردازد، از شدت شوق و علاقه به ذات پروردگار تمام صفات نیک را محصور بر حضرتش می‌سازد. اسلوب حصر صفات نیک به خداوند در صحیفه بسیار شایع است. به عنوان مثال، امام سجاد در دعا برای مرزداران، وحدانیت را به شش طریق (أنّ، ضمیر فصل، جمله اسمیه، حصر به نفی و استثناء، لفظ وحدک، نفی جنس) محصور در خداوند می‌گرداند: «أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ» (صحیفه سجاده، دعاء ۲۷).

موسیقی نیز یکی دیگر از ویژگی‌های اسلوبی

تجلیل، نشریه سفینه، زمستان ۱۳۸۴، شماره ۹. "آرایه‌های بدیعی در صحیفه سجاده"، نوشته سید محمدرضا ابن الرسول و صدیقه مظفری، کاوش نامه، شماره ۱۷، سال نهم (۱۳۸۷). "نکات بلاغی در صحیفه سجاده" نوشته غلامرضا کریمی فرد، فصلنامه مشکاه، شماره ۵۳، زمستان ۱۳۷۵. "بررسی استعاره در بخشی از صحیفه سجاده" (از دعای ۴۴ تا ۵۴) به قلم محسن صبوری، مجله اللغه والأدب العربی دانشگاه شهید چمران اهواز، شماره ۱، بهار ۱۳۹۱. نویسنده در این مقاله به روشی سنتی به تقسیم‌بندی استعاره‌های موجود در صحیفه سجاده در قالب استعاره مصرحه، مکنیه، مطلقه، مرشحه، مجرد، وفاقیه و عنادیه پرداخته است و بسامد کاربرد هر یک از این استعاره‌ها را در صحیفه سجاده نشان داده است و سرانجام به این نتیجه رسیده است که امام سجاد از بلیغ‌ترین استعاره‌ها استفاده کرده است. به عنوان مثال استعاره مرشحه را بیشتر از مجرد و مطلقه استفاده کرده و یا استعاره خاصیه را بیشتر از استعاره عامیه به کار برده است.

اختلاف و مزیت پژوهشی که عرضه خواهد شد و در سایر مقالاتی که ذکرشان رفت دیده نمی‌شود این است که این پژوهش نقش استعاره را در تصویرگری مفاهیم دینی و مفاهیم انتزاعی که به راحتی قابل ادراک نیستند، در صحیفه سجاده بررسی و تبیین نموده است و همچنین به کارکرد روانی هر یک از استعاره‌هایی که ذکر می‌شود، اشاره می‌گردد.

روش پژوهش

روشی که در این پژوهش اتخاذ شده توصیفی-تحلیلی است. در آغاز، ادبیات و اسلوب صحیفه سجاده واکاوی می‌شود. سپس آراء و نظرات ناقدان ادب عربی درباره استعاره نقد و بررسی می‌شود و سرانجام

۱. تو خدایی هستی که جز تو خدایی نیست، یگانه و بی‌همتا هستی (در این مقاله، ترجمه همه عبارات صحیفه سجاده از آقای عبدالمحمد آیتی است).

متن صحیفه است. برای مثال، می‌توان از موارد متعدد جوانب موسیقایی متن صحیفه به عبارات زیر اشاره کرد: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَدِرُ إِلَيْكَ مِنْ مَظْلُومٍ ظَلِمَ بِحَضْرَتِي فَلَمْ أَنْصُرْهُ، وَمِنْ مَعْرُوفٍ أُسْدِي إِلَى فَلَمْ أَشْكُرْهُ، وَمِنْ مُسِيءٍ أَعْتَدَرَ إِلَيَّ فَلَمْ أَعْدِرْهُ، وَمِنْ ذِي فَاقَةٍ سَأَلَنِي فَلَمْ أُؤْتِرْهُ، وَمِنْ حَقِّ ذِي حَقٍّ لَزَمَنِي لِمُؤْمِنٍ فَلَمْ أُؤَفِّرْهُ، وَمِنْ عَيْبٍ مُؤْمِنٍ ظَهَرَ لِي فَلَمْ أُسْتِرْهُ، وَمِنْ كُلِّ إِثْمٍ عَرَضَ لِي فَلَمْ أَهْجُرْهُ» (صحیفه سجادیه: دعای ۳۸). جنبه هنری این متن علاوه بر مضمون والای آن، در موسیقی هماهنگ آن متبلور است. کلمات پایانی هر بند، مثل «أَنْصُرْهُ، أَشْكُرْهُ، أَعْدِرْهُ، أُؤْتِرْهُ، أُؤَفِّرْهُ، أُسْتِرْهُ، أَهْجُرْهُ» آن‌ها را با هم، هم‌وزن و برابر ساخته و نغمه‌های دلنشینی را از هنگام مناجات امام سجاد در گوش شنونده طنین‌انداز می‌کند.

از موارد دیگر زیبایی‌های اسلوبی صحیفه سجادیه می‌توان به تصویرهای هنری این اثر گرانسنگ اشاره کرد که إن شاء الله در ادامه به تصاویر هنری آن در خلال بحث از استعارات موجود در صحیفه، خواهیم پرداخت.

جایگاه استعاره در حوزه نقد ادبی و کارکرد آن

استعاره یکی از پیچیده‌ترین و قدیمی‌ترین موضوعاتی است که از حدود ۲۵۰۰ سال قبل مورد

توجه ادیبان و فیلسوفان قرار گرفته است. ارسطو (۳۸۴ق.م - ۳۲۲ق.م) نخستین کسی است که به صراحت از استعاره سخن گفته و آن را چنین تعریف کرده است: «استعاره انتقال اسم چیزی است به چیز دیگر، یا انتقال از جنس به نوع، یا از نوع به جنس یا از نوع به نوع یا حسب قیاس تناسب» (ارسطو، بی‌تا، ۱۳۲). او می‌گوید: آنچه در بیشتر عبارات‌های بلاغی انگیزه مسرت است، منشأ آن استعاره است (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۵: ۱۱۱).

در آثار بلاغت اسلامی، هسته اولیه بحث از استعاره را می‌توان در «الکتاب» سیبویه (۱۴۸-۱۸۰ق) جست. سیبویه با بیان این مطلب که به منظور گسترش معنایی کلمات زبان، تغییراتی در مدلول کلمات صورت می‌گیرد، مسأله مجاز را پیش روی علمای بعد از خود گشود، اما به اجرای استعاره آن‌ها نپرداخت (حسین، ۱۹۹۸: ۱۱۸-۱۲۰). مدتی بعد از وی، فراء (۱۴۴-۲۰۷ق) در کتاب معانی القرآن ذیل آیه: «وَلَمَّا سَكَتَ عَنْ مُوسَى الْغَضَبُ»^۲ (الاعراف: ۱۵۴) با بیان این مطلب که اسناد سکوت به غضب مجازی است و سکوت در حقیقت برای عاقل به کار می‌رود، بحث استعاره را به صورت ابتدایی وارد پژوهش‌های بلاغی کرد (فراء، بی‌تا، ج ۲: ۱۵۶). اما او به تبیین حد مرز و تعریف دقیق استعاره مبادرت نکرد، بلکه این امر به جاحظ (۱۶۳-۲۵۵ق) واگذار شد تا او اولین کسی باشد که تعریفی از اصطلاح استعاره تحت عنوانی با همین نام ارائه دهد (سامرائی، ۱۹۷۷: ۲۰).

جاحظ در ذیل بیت:

وظفت سحابة تغشاها تبكي على عراسها عيناها^۳

۲. و چون خشم موسی فرو نشست ...

۳. ابری خانه معشوق را در بر گرفت و چشمان ابر بر زمین‌های اطراف خانه گریست.

۱. خدایا! من از درگاه تو پوزش می‌خواهم: اگر در حضور من بر ستم‌دیده‌ای ستم رفته است و من به یاری او نشناخته‌ام، یا به من نیکی شده و آن را سپاس نگفته‌ام، یا بدکرداری از کردار بد خود پوزش خواسته و نپذیرفته‌ام، یا مستندی از من چیزی خواسته و من برآوردن نیاز او را بر نیاز خود، پیش نیفکنده‌ام، یا دارنده حقی بر عهده من حقی داشته است و من به جا نیاورده‌ام، یا عیبی از مؤمنی بر من آشکار شده و من آن را نپوشانده‌ام، و یا هرگناهی که پیش آمده و من از آن دوری نگزیده‌ام.

(متوفای: ۳۷۰ق) با ارائه تحلیل‌هایی دقیق از استعاره و تبیین انواع وجه شبه در استعاره (جامع) پژوهشی جدید عرضه می‌کند که توجه علمای بعد را به خود جلب می‌کند (آمدی، بی تا: ۲۶۷).

از این پس، تعریف علما از استعاره و تبیین زیبایی‌های آن با پیشرفت چشمگیری روبرو می‌شود. علی بن حسین رمانی در پرتو اثبات اعجاز قرآن، زیبایی استعاره را مورد بحث و پژوهش قرار داد. نکته بسیار جالب و نوین پژوهش او ارائه تحلیل‌های ژرف روانشناختی از استعاره‌های قرآنی است. تحلیل‌هایی که نقطه عطفی در پژوهش‌های استعاری بلاغت‌دانان اسلامی ایجاد کرد.

او در تحلیل استعاره موجود در آیه: «تَكَادُ تَمَيِّزُ مِنْ الْغَيْظِ»^۱ (الملک: ۸) می‌نویسد: «معنای حقیقی‌اش، پاره پاره شدن از شدت جوشش به وسیله آتش است؛ یعنی نزدیک بود از شدت جوشش پاره پاره شود و استعاره بلیغ‌تر از حقیقت است؛ زیرا مقدار خشم بر نفس محسوس و قابل ادراک است و این آشکار است که شدت خشم، شدت انتقام را در پی دارد. پس در این استعاره برترین نوع بیم دادن و قوی‌ترین روش اندرز دادن و برترین راهنما به قدرت لایزال الهی است (رمانی، ۱۹۸۶: ۸۷).

در ادامه ابوهلال عسکری (۳۹۵ق) پژوهش‌های گسترده‌تری درباره استعاره انجام داد. او علاوه بر انتقال از معنای وضعی کلمه به معنای مجازی آن، به اهمیت و نقش بارز استعاره در زیبایی و بلاغت سخن نیز اشاره کرد. زیبایی استعاره از نگاه ابوهلال عسکری در پنج امر ذیل خلاصه می‌شود:

۱. روشن ساختن معنا. ۲. تأکید. ۳. مبالغه.

می‌گوید: «دو چشمش یعنی دو چشم ابر و شاعر باران را گریه ابر قرار داده است بنابر استعاره و آن عبارت است از نامیدن چیزی به اسم دیگر هر گاه جانشین آن شود (جاحظ، ۱۹۹۸، ج ۱: ۱۵۳-۱۵۲).

پس از جاحظ، ابن قتیبه دینوری (۲۱۳-۲۷۶ق) با ارائه تعریفی که گویا برگرفته از اندیشه‌های جاحظ است، به تعریف استعاره اقدام کرد، اما او نکته‌ای را به تعریف جاحظ افزود که از دید جاحظ پنهان مانده بود و آن لزوم وجود ارتباط میان معنای حقیقی و مجازی در استعاره است. البته او این ارتباط را بر مبنای روابطی چون سببیت، مجاورت و تشبیه می‌داند (ابن قتیبه، ۱۹۷۳: ۱۳۵).

عبد الله بن معتمر (متوفای: ۲۹۶ق) نیز به نکته جدیدی اشاره کرده و آن وجود یک تأثیر اضافی در مجاز نسبت به حقیقت یعنی مبالغه و توضیح بیشتر است که باعث می‌شود، متکلم به جای معنای حقیقی، استعاره را به کار بگیرد (ر.ک: ابن معتمر، ۱۹۸۲: ۲۴-۳).

قدامه بن جعفر (متوفای: ۳۳۷ق) نیز در جهت تکمیل معرفی استعاره گام برداشت و با تقسیم‌بندی استعاره به استعاره فاحش (استعاره‌ای که میان معنای حقیقی و معنای مجازی ناهمگونی باشد) و استعاره زیبا و توجه به اصل مشابهت بین معنای مستعارمنه و مستعار له نکته تازه‌ای به تعریف آن افزود و دریچه‌ای نو فرا روی ناقدان گشود (قدامه بن جعفر، بی تا، ۱۷۴-۱۷۵).

قاضی جرجانی (۳۲۲-۳۹۲ق) نیز در کنار ارائه تعریفی همانند تعریف پیشینیانش از استعاره، به وجود تفاوت بین تشبیه و استعاره و راهکار شناخت آن دو از یکدیگر می‌پردازد (قاضی جرجانی، ۲۰۰۶: ۳۹-۴۵). در همان زمان، آمدی

۱. نزدیک است که از خشم شکافته شود...

۴. ایجاز. ۵. آرایش کلام (عسکری، ۱۳۱۹: ۲۰۵).
او به بسط شیوه تحلیلیِ رمانی در تبیین ارزش روانشناختی استعاره می‌پردازد و با ارائه نمونه‌های فراوان نقش استعاره را در تجسم احساسات و عواطف مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌دهد (همان: ۲۰۵-۲۱۱).

از این پس، عبدالقاهر جرجانی (۴۰۰-۴۷۱ق) مسئولیت پیشبرد پژوهش‌های استعاره را بر عهده گرفت. او که از شیوه علمای پیش از خود در بررسی زیبایی استعاره راضی نبود (ر.ک: جرجانی، ۲۰۰۷: ۴۰۵-۴۰۷) در صدد تغییر نگاه‌ها به استعاره بر آمد؛ زیرا «گذشتگان به آن از خلال رابطه بین حقیقت و مجاز می‌نگریستند، لذا تعریف‌های آن‌ها درباره استعاره حول دو مفهوم نقل و علاقه (مشابهت) می‌گردید، اما جرجانی از خلال مفهوم ادعا به آن نگریست لذا انتقال را از مفهوم استعاره دور نمود و بر مفهوم ادعا تأکید کرد (راغب، ۱۳۸۷: ۸۰).

نوع جرجانی در پیشبرد استعاره به همین جا ختم نشد، بلکه او به ارزش هنری و تأثیر روانی استعاره در به تصویر کشیدن انفعالات درونی گوینده پرداخت. او در این باره می‌گوید: «وإن شئت أرتك المعاني اللطيفة التي هي من خبايا العقل، كأنها قد جُسمت حتى رأتها العيون وإن شئت لطفّت الأوصاف الجسمانية حتى تعود روحانية لا تنالها إلا الظنون»^۱ (جرجانی، ۲۰۰۶: ۴۷).

نکته دیگری که در ابداعات جرجانی در بحث استعاره دیده می‌شود، اجرای استعاره در دو نوع اسم

۱. اگر بخواهی معانی لطیفی که از خفایای عقل هستند، به تو می‌نمایاند، به گونه‌ای که گویی مجسم شده است آن چنان که چشم آن را می‌بیند و اگر بخواهی اوصاف جسمانی را لطیف می‌سازد تا آن‌جا که به سان امور معنوی که جز در ظن و گمان‌ها نمی‌گنجد، ظاهر می‌شوند.

و فعل است (جرجانی، ۲۰۰۶: ۴۸ و ۱۹۱) و این همان چیزی است که اهل بلاغت پس از جرجانی آن را استعاره اصلیه و تبعیه نامیدند. وی استعاره اصلیه را به دو نوع «محققه» و «مرموز الیها» تقسیم کرد. او در نوع دوم استعاره اصلیه یعنی استعاره مرموز الیها (مکنیه) به نکته‌ای دقیق اشاره کرد که امروزه تشخیص نامیده می‌شود. او در این باره می‌نویسد: «اما در نوع دوم، وجه شبهی یافت نمی‌شود، بلکه وجه شبه وصفی است که به مشبه نسبت داده‌ای؛ همان‌گونه که در این مثال، برای باد، دست و قدرت تصرف قائل شده‌ایم» (ضیف، بی‌تا، ۱۹۴).

زمخشری (۴۶۷-۵۳۸ق) نیز گام‌های جرجانی را در پیشبرد پژوهش‌هایی که درباره استعاره انجام شده بود، دنبال کرد و نکات جدیدی را به مباحث استعاره افزود. زمخشری در تطبیق قواعد عبدالقاهر، در باب استعاره تصریحیه، مکنیه، اصلیه و تبعیه فراوان سخن گفته است. شاید اولین نکته‌ای که وی به تحقیقات عبدالقاهر در این باب افزوده، وضع اصطلاح «ترشیح» در برابر آن چیزی است که عبدالقاهر آن را «تناسی تشبیه» نامیده بود (ضیف، ۱۳۸۳: ۳۴۹).

پس از عبدالقاهر و زمخشری، علم بلاغت عربی به طور عام و مبحث استعاره به طور خاص، رو به جمود و تکلفی که از سوی برخی فلاسفه و منطقیان بدان وارد شده بود، گرایید. از این رو، در میان اندیشمندان و عالمان جهان اسلام کسی را نمی‌یابیم که اندیشه‌ای نو و نکته‌ای جذاب به مباحث استعاره افزوده باشد. تا این‌که در قرن اخیر زبان‌شناسان شناخت‌گرا، که شاخص‌ترین آن‌ها لیکاف است، نگرشی نوین به مباحث استعاره ارائه دادند که به دیدگاه شناختی معروف است. در این نوع نگرش، استعاره یک آرایه ادبی نیست، بلکه یک فرایند شناختی است که در ذهن رخ می‌دهد. در این دیدگاه استعاره ابزاری زبانی است که

قدیر^۱» (الروم: ۵۰) از سرسبز کردن زمین به زنده کردن آن تعبیر نموده است. امام سجاد (ع) که در مکتب قرآن دم زده است، از همین تعبیر قرآنی سود جسته و زیبا شدن زمین به واسطه رویدن گل‌ها و گیاهان را به سان دمیدن روح و حیات در کالبد موجودی مرده به تصویر کشیده است و می‌گوید: «اللَّهُمَّ اسْقِنَا الْغَيْثَ... وَامْنُنْ عَلَيَّ عِبَادِكَ بِإِنْبَاعِ الثَّمَرَةِ، وَأَخِي بِلَادِكَ بِلُؤْغِ الزَّهْرَةِ»^۲ (صحیفه سجاده: دعای ۱۹). این تصویر برای زنده جلوه دادن صحنه‌های طبیعت در احساس و آگاهی انسان نسبت به عناصر طبیعت آمده است. گویی انسان زمین را همتای خود می‌بیند، از این رو احساس او بیدار می‌گردد تا از ماورای این صحنه محسوس به قدرت آفرینشگر آن و تدبیر امور آن پی ببرد. تصویر در این جا، نخست صحنه پراکنده شدن ابر در آسمان و نزول باران را ترسیم نموده است. تأثیر این صحنه طبیعی (نزول باران) نخست در شادمانی مردمان و فراوان شدن روزی آنان است. سپس تصویر به تأثیر باران در رویش گل‌ها و گیاهان منتقل می‌شود و تصویر زمین سبز شده به سان تصویر انسانی زنده و متحرک ترسیم می‌شود. علت این که امام سجاد (ع) به جای تعبیر اظهار نبات از تعبیر استعاری احیاء استفاده کرده است، این است که حرکت و پویایی زمین را که از مفاهیم غیر قابل ادراک است، به واسطه استعاره احیاء برای آن به تصویر بکشد، زیرا تنها موجود زنده است که متحرک و پویا جلوه می‌نماید.

آسمان نیز یکی از عناصر طبیعی است که در

می‌تواند به ادبیات و سایر دانش‌ها که به گونه‌ای با زبان در ارتباط است، کمک کند. در این میان، زبان‌شناسانی مانند لیکاف و جانسون استعاره را پدیده‌ای زبانی نمی‌دانند؛ بلکه برای آن ماهیتی ادراکی و مفهومی قائل‌اند؛ به این معنا که استعاره در بنیان خود فرایندی شناختی و ذهنی است که در زبان نمودار می‌شود (جانسون و لیکاف، ۱۹۸۰: ۳).

بعدها لیکاف در «نظریه معاصر استعاره» اصول این نظریه را این گونه توصیف کرده است:

0 استعاره مهمترین ساز و کاری است که ما از طریق آن مفاهیم انتزاعی را درک می‌کنیم و با آن استدلال انتزاعی می‌کنیم.

0 استعاره ما را قادر می‌سازد موضوعی نسبتاً انتزاعی یا فاقد ساخت را بر حسب امری عینی، ملموس یا دست کم ساختمان‌تر کنیم.

0 بیشتر موضوعات، از مسائل پیش پا افتاده تا نظریه‌های پیچیده علمی از طریق استعاره قابل دریافت و فهم هستند.

0 استعاره ماهیتاً امری مفهومی است، نه زبانی.

0 استعاره‌های زبانی فقط ظهور سطحی استعاره‌های مفهومی‌اند (لیکاف، ۱۹۹۳: ۲۳۲).

کارکرد استعاره در تصویر مفاهیم در صحیفه سجاده

تصویر عناصر طبیعی در صحیفه سجاده بر پایه استعاره

زمین و آسمان: زمین یکی از آیات الهی است که خداوند با رویاندن گیاهان در آن و سرسبز کردن آن بعد از مدتی که دچار خشکی شده بود انسان را به یاد قیامت و دوباره زنده شدن آن می‌اندازد و از آن تعبیر به «احیاء الارض» نموده است. چنان که در آیه: «فَانظُرْ إِلَى آثَارِ رَحْمَةِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ ذَلِكَ لَمُحْيِي الْمَوْتَى وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

۱. پس به آثار رحمت خدا بنگر که چگونه زمین را پس از مرگش زنده می‌گرداند. در حقیقت، هم اوست که قطعاً زنده کننده مردگان

است، و اوست که بر هر چیزی تواناست.

۲. ای خداوند! میوه‌ها را برسان و بر بندگان احسان فرمای، گل‌ها را شکفته گردان و زمین خود زنده نمای.

حَقِيفَةُ السَّحَابِ التَّمَعْتُ صَوَاعِقُ الْبُرُوقِ... وَ الْقَوَامِ
عَلَى خَزَائِنِ الرِّيَّاحِ»^۲ (صحیفه سجادیه: دعای ۳).

این تصویر به جایگاه و ارزش بسیار مهم باد و باران در اداره امور گیتی اشاره دارد. کاربرد واژه‌های «خُزَانٌ وَخَزَائِنٌ» به همراه «الْمَطَرُ وَ الرِّيَّاحُ» به این امر دلالت دارد که این دو پدیده به سان گنجینه‌های نفیسی هستند که فرشته‌هایی بر آن نظارت دارند و آن از محافظت می‌نمایند.

روز: روز نیز عنصر دیگری از عناصر طبیعی است که در دعا‌های امام سجاد (علیه السلام) صورتی انسانی به خود می‌گیرد: «وَهَذَا يَوْمٌ حَادِثٌ جَدِيدٌ وَهُوَ عَلَيْنَا شَاهِدٌ عَتِيدٌ»^۳ (صحیفه سجادیه: دعای ۶). در این عبارت روز به سان شاهدی زنده که بر انسان و اعمالش گواه است، ترسیم می‌شود گویی با گوش‌های شنوای خود تمامی سخنان و با چشمان تیزبینش تمامی حرکات ما را زیر نظر دارد و در پایان که هنگام وداع فرا می‌رسد، لب به سخن می‌گشاید تا اگر نیک گفته و عمل کرده باشیم، به حمد و ثنای ما بپردازد و اگر خلاف آن باشد، سرزنش‌کنان ما را ترک می‌کند: «إِنْ أَحْسَنَّا وَدَعْنَا بِحَمْدٍ وَإِنْ أَسَانَا فَارْقَنَّا بِذَمٍّ»^۴ (همان).

امام سجاد (علیه السلام) روز را مانند دوستی می‌بیند که با او همراه است و از خداوند می‌خواهد تا او را توفیق دهد به نیکی با این دوست همراه شود و از

۲. خداوند! بر ایشان درود بفرست و بر ملائکه رحمت خویش... و بر خازنان باران و روان‌کنندگان ابرها که چون بر ابرها بانگ زنند، آواز تندرهای به گوش رسد و چون ابرها از آن نهیب به راه افتند، آذرخش‌ها از درونشان بدرخشند. و بر آن فرشتگان که نگهبانان خزاین بادهایند.

۳. این بامدادی است نو دمیده و روزی است تازه فرا رسیده. بر اعمال ما گواه است.

۴. اگر نیکی کنیم، ما را وداع کند به ستایش و اگر بدی کنیم، از ما جدا شود به نکوهش.

صحیفه سجادیه به روش استعاری به تصویر کشیده می‌شود. در دعای سی و یکم، امام سجاد (علیه السلام) زمین و آسمان را شاهد اعمال خود می‌بیند و می‌گوید: «لَتَسْمَعَ سَمَاوُكَ وَ مَنْ فِيهَا وَ أَرْضُكَ وَ مَنْ عَلَيْهَا مَا أَظْهَرْتُ لَكَ مِنَ النَّدَمِ، وَ لَجَأْتُ إِلَيْكَ فِيهِ مِنَ التَّوْبَةِ فَلَعَلَّ بَعْضَهُمْ بِرَحْمَتِكَ يَرْحَمُنِي لِسُوءِ مَوْفِقِي، أَوْ تُدْرِكُهُ الرَّقَّةُ عَلَيَّ لِسُوءِ حَالِي فَيَنَالَنِي مِنْهُ بِدَعْوَةٍ هِيَ أَسْمَعُ لَدَيْكَ مِنْ دُعَائِي، أَوْ شَفَاعَةَ أَوْكَدُ عِنْدَكَ مِنْ شَفَاعَتِي تَكُونُ بِهَا نَجَاتِي مِنْ غَضَبِكَ وَ فَوْزَتِي بِرِضَاكَ»^۱ (صحیفه سجادیه: دعای ۳۱). در این تصویر، امام سجاد (علیه السلام) برای آسمان و زمین گوش‌هایی شنوا را فرض می‌کند که توبه و پشیمانی بنده در پیشگاه مولایش را می‌شنوند. شدت ناله‌ها صادقانه و پشیمانی امام به حدی است که دل آسمان و زمین به درد می‌آید؛ از این رو احساس ترحم در آن‌ها شکل گرفته و رحمت و مهربانی خود را نصیب ایشان می‌نمایند و در پیشگاه خداوند، از وی شفاعت می‌کنند.

باد و باران: باد و باران نیز از دیگر مظاهر طبیعت هستند که در بیان امام سجاد (ع) در قالب استعاره به تصویر کشیده شده‌اند. ایشان در دعای سوم آنجا که از خداوند می‌خواهد تا بر فرشتگانی که مسئولیت امور باد و باران را بر عهده دارند، درود بفرستد، می‌گوید: «فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ خَزَائِنِ الْمَطَرِ وَ زَوَاجِرِ السَّحَابِ وَ أَلْدَى بِصَوْتِ رَجْرِهِ يُسْمَعُ رَجْلُ الرَّعُودِ، وَ إِذَا سَبَحَتْ بِهِ

۱. برای آن است که آسمان‌ها و ساکنان آنها و زمین و هر چه بر روی آن است، پشیمانی مرا که در برابر تو اظهار کرده‌ام بشنوند و بدانند که توبه کرده‌ام و به تو پناه آورده‌ام. باشد که یکی از آنها بر شوربختی من رحمت آرد یا بر بد حالی منش رقت آید و در حق من دعایی کند که تو زودتر دعای من را مستجاب فرمایی، یا روی شفاعت بر زمین نهد و شفاعت او از درخواست من مقبول‌تر افتد و سبب رهایی من از خشم تو و توفیق یافتن من به خشنودی تو باشد.

(صحیفه سجاده: دعای ۱۶). در این عبارت، رحمت و غضب پروردگار را مشاهده می‌کنیم که با هم وارد مسابقه شده‌اند و هریک می‌خواهد از دیگر سبقت بگیرد، اما رحمت با گام‌های بلندتر و سرعت بیشتر خود پیشاپیش غضب می‌دود.

عنایت پروردگار به بندگان در برابر شیطان: دشمنی شیطان با آدم (ع) و فرزندان او یکی از تاریخی‌ترین جنگ‌های تاریخ است که هیچگاه شعله‌های آن خاموش نشده و نخواهد شد. قرآن در موارد بسیاری دشمنی او را با فرزندان آدم به تصویر کشیده است. از جمله کمین کردن او در راه راست برای منحرف کردن انسان: «قَالَ فِيمَا أُغْوِيَنِي لَأَفْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ * ثُمَّ لَأَنبِتُهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ» (الاعراف: ۱۷). اما آنان که مورد عنایت خداوند قرار دارند، شیطان هیچ سلطه‌ای بر آنان ندارد: «إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ وَكِيلًا» (الاسراء: ۶۵). امام سجاد (ع) نیز صحنه‌هایی از دشمنی شیطان با انسان به تصویر کشیده است که مجال ذکر آنها نیست، اما آنچه در این‌جا مورد نظر ماست، تصویر محافظت خداوند از بندگان خود در برابر تیرهای دشمنی شیطان است که در دعاها صحیفه سجاده به زیبایی ترسیم شده است. امام سجاد (ع) این صحنه را این‌گونه به تصویر کشیده است: «وَالْبِسْهُمُ مِنْهُ جُنًّا وَاقِيَةً وَأَعْطِهِمْ عَلَيْهِ أَسْلِحَةً

بدی کردن به او به خاطر انجام گناه در امان بماند: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَارْزُقْنَا حُسْنَ مُصَاحَبَتِهِ، وَأَعْصِمْنَا مِنْ سُوءِ مُفَارَقَتِهِ بِارْتِكَابِ جَرِيرَةٍ، أَوْ اقْتِرَافِ صَغِيرَةٍ أَوْ كَبِيرَةٍ»^۱ (همان).

تصویر مفاهیم انتزاعی و حالات روانی در صحیفه سجاده بر پایه استعاره

لطف و رحمت پروردگار: رحمت چنان‌که راغب اصفهانی می‌گوید: اگر در مورد انسان استعمال شود، به معنای احسان همراه با رقت قلبی به کسی است اما اگر برای خداوند استعمال شود مقصود از آن مطلق لطف پروردگار نسبت به بندگان است (راغب اصفهانی، بی‌تا: ج ۱: ذیل ماده رحم). قرآن کریم رحمت را به سان گنجینه‌ای پر بها که در خزانه‌های بزرگ نگاه داشته می‌شود ترسیم نموده است و می‌فرماید: «قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا» (الاسراء: ۱۰۰). امام سجاد (ع) همین تصویر را در دعای پنجم از صحیفه سجاده به کار گرفته و می‌گوید: «وَيَا مَنْ لَا تَقْنَىٰ خَزَائِنُ رَحْمَتِهِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ لَنَا نَصِيبًا فِي رَحْمَتِكَ»^۲ (صحیفه سجاده: دعای ۵).

در دعای شانزدهم نیز، امام سجاد (ع) تصویری خیالی و پویا از رحمت الهی ارائه می‌دهد، آن‌جا که می‌گوید: «وَأَنْتَ الَّذِي تَسْعَىٰ رَحْمَتُهُ أَمَامَ غَضَبِهِ»^۳

۱. خدایا، بر محمد و خاندانش درود بفرست و روزی ما چنان کن که این روز را مصاحبی شایسته باشیم و ما را از آن نگاه‌دار که ترکش گوئیم در حالی که مرتکب گناهی کوچک یا بزرگ شده باشیم.
۲. بگو: اگر شما مالک گنجینه‌های رحمت پروردگار بودید، باز هم از بیم خرج کردن قطعاً امساک می‌ورزیدید و انسان همواره بخیل است.
۳. ای خداوندی که خزاین رحمتش فنا نشود، درود بفرست بر محمد و خاندانش و ما را از رحمت خویش نصیبی ده.
۴. تویی که رحمت را بر غضبت پیشی است.

۵. گفت: «پس به سبب آنکه مرا به بیراهه افکندی، من هم برای [فریفتن] آنان حتماً بر سر راه راست تو خواهم نشست. آن‌گاه از پیش رو و از پشت سرشان و از طرف راست و از طرف چپشان بر آنها می‌تازم، و بیشترشان را شکرگزار نخواهی یافت».
۶. در حقیقت، تو را بر بندگان من تسلطی نیست و حمایت‌گری [چون] پروردگارت بس است.

مَاضِيَةً^۱ (صحیفه سجادیه: دعای ۱۷).

در این عبارت، دو تصویر بسیار زیبا و خیالی از حمایت‌های الهی ارائه شده است. در تصویر نخست، محافظت پروردگار از مؤمنان نسبت به خطرات شیطان به سان زره‌های محکمی به تصویر کشیده شده که تیرهای شیطان در آن نفوذ نمی‌کند و خطری از سوی آن‌ها متوجه مؤمنان نخواهد شد. در تصویر دوم، دعا و اعمال نیک انسان همچون سلاح‌های برانی به تصویر کشیده شده است که انسان با آن‌ها به جنگ با شیطان می‌رود (ر.ک: مدنی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۲۰۴). در این دو تصویر، کلمه واقیه و ماضیه به زیبایی خاصی گزینش شده است تا ضعف شیطان در برابر نیروهای الهی بیشتر نمایان شود. زیرا کلمه واقیه بیان‌گر این است که با عنایت خداوند، تیرهای شیطان اثری در مؤمنان نخواهد داشت و کلمه ماضیه بر این دلالت دارد که انسان با اعمال صالح خود نه تنها می‌تواند از خطرات شیطان جلوگیری کند، بلکه قادر است او را از پای در آورد.

گناه: در این سرای ناپایدار، انسان در طول دوران زندگی خود افعال و اعمالی را انجام می‌دهد که همیشه آن‌ها را به عنوان کارنامه اعمال خود به همراه خواهد داشت. این اعمال اگر نیک باشد آدمی سبکبار خواهد بود و اگر گناه و خطا باشد جز سنگینی برای او نخواهد داشت. امام سجاد (ع) در دعای شانزدهم، بخشی از آثار گناه را که یکی از مفاهیم انتزاعی و مجرد است، در پیش روی خواننده به تصویر کشیده است و می‌گوید: «اللَّهُمَّ وَهَذِهِ رَبَّتِي قَدْ أَرَقَّتْهَا الذُّنُوبُ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَعْتِقْهَا بَعْفُوكَ، وَهَذَا ظَهْرِي قَدْ أَثْقَلْتَهُ الْخَطَايَا، فَصَلِّ

عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَخَفَّفْ عَنْهُ بِمَنِّكَ»^۲ (صحیفه سجادیه: دعای ۱۶). در این عبارت، امام سجاد (ع) در یک تصویری خیال‌انگیز، گناهان را همچون باری به تصویر کشیده است که در اثر سنگینی آن گردن انسان ضعف و سست شده و کمر نیز به خاطر شدت فشار این بار، خمیده گردیده است. از این رو امام (ع) از پروردگار خویش درخواست می‌کند تا به او یاری دهد و اندکی از این بار را از دوش او بردارد.

تصویر مفاهیم دینی در صحیفه سجادیه بر پایه استعاره

انفاق در راه خداوند: مهمترین عملی که انسان نسبت به پروردگار خویش می‌تواند انجام دهد، دو چیز است یکی توجه بخدا و دیگری انفاق در راه او است. از این رو خداوند متعال در موارد متعدد به این دو امر مهم سفارش نموده و می‌فرماید: «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ»^۳ (البقره: ۴۳) «وَيُؤْتُوا الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ»^۴ (البقره: ۳).

عمل انفاق در اسلام از چنان جایگاهی برخوردار است که قرآن از آن تعبیر به تجارت پرسود با پروردگار نموده و می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّنْ تَبُورًا»^۵ (فاطر: ۲۹).

۲. ای خداوند، این گردن من است در زیر بار گناهان باریک شده، پس بر محمد و خاندانش درود بفرست و به عفو خود آزادش کن. و این پشت من است در زیر بار خطاها خمیده، پس بر محمد و خاندانش درود بفرست و به فضل خود بار خطای من بکاه.

۳. و نماز را بر پا دارید، و زکات را بدهید.

۴. و نماز را بر پا می‌دارند، و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند.

۵. در حقیقت، کسانی که کتاب خدا را می‌خوانند و نماز برپا می‌دارند و از آنچه بدیشان روزی داده‌ایم، نهان و آشکارا انفاق می‌کنند، امید به تجارتی بسته‌اند که هرگز زوال نمی‌پذیرد.

۱. و برای پیکار با او سپرهایی نگهدارنده و شمشیرهایی برنده عطا فرما.

برای شنونده به تصویر کشیده است تا انسان بیشتر متوجه لطف و عنایت خداوند نسبت به او شود. یکی از این نعمت‌ها، از بین بردن مشکلات است. امام سجاد این مفهوم را بدین شکل به تصویر کشیده است: «وَكَمْ مِنْ سَحَابٍ مَكْرُوهٍ جَلِيَّتْهَا عَنِّي، وَسَحَابٍ نِعْمٍ أَمْطَرَتْهَا عَلَيَّ، وَجَدَّوْلٍ رَحْمَةً نَشَرَتْهَا، وَعَافِيَةً أَلْبَسَتْهَا، وَأَعْيُنٍ أَحْدَاثٍ طَمَسَتْهَا، وَغَوَاشِي كُرْبَاتٍ كَشَفَتْهَا»^۳ (صحیفه سجاده، دعای ۴۹).

در این عبارت مشکلات و سختی‌هایی که بر انسان فرود می‌آید به سان ابرهایی به تصویر کشیده شده‌اند که بالای سر انسان قرار گرفته و آماده‌اند تا قطرات غم و اندوه را بر او ببارند، اما طولی نمی‌کشد که لطف پروردگار شامل حال انسان می‌شود و این ابرهای ناخوشایند از آسمان زندگی انسان کنار زده می‌شود و ابرهای نعمت الهی جای آن‌ها را می‌گیرند و دانه‌های باران خود را بر انسان جاری می‌کنند. تصویرگری امام از نعمت‌های الهی به همین جا ختم نمی‌شود بلکه، نعمت‌ها یکی پس از دیگری از پی هم به تصویر کشیده می‌شوند: یک بار امر نیکی همچون لباسی از جنس عافیت بر پیکر انسان پوشانده می‌شود بار دیگر چشم

امام سجاد (ع) در دعای چهل و پنجم انفاق در راه خداوند و اطاعت از این فرمان الهی برای به دست آوردن بهشت را به سان تجارت و معامله خداوند با بنده به تصویر کشیده است و می‌گوید: «وَأَنْتَ الَّذِي زِدْتَ فِي السُّومِ عَلَيَّ نَفْسِكَ لِعِبَادِكَ، تُرِيدُ رِبْحَهُمْ فِي مُتَاجَرَتِهِمْ لَكَ»^۱ (صحیفه سجاده: دعای ۴۵). "سوم" مصدر از فعل «سَامَ الْبَائِعُ السَّلْعَةَ» به معنی عرضه کردن کالا برای فروش است (زمخشری، ۱۹۷۹: ذیل ماده سوم) از این رو خداوند به مانند فروشنده‌ای به تصویر کشیده شده است که کالای خود (پاداش اخروی) را به حراج گذاشته و هدفش سود بردن مشتری (بندگان) است (ر.ک: مدنی، ۱۴۰۹، ج ۶: ۱۳۳).

امام سجاد (ع) در جای دیگر نیز از خداوند می‌خواهد تا تجارت او سودآور باشد: «وَأَجْعَلْ تِجَارَتِي رَابِحَةً، وَ كَرَّتِي غَيْرَ خَاسِرَةً»^۲ (صحیفه سجاده: دعای ۴۷). در این عبارت نیز طاعت خداوند برای ثواب بردن به تجارت با پروردگار تشبیه شده است (ر.ک: مدنی، ۱۴۰۹، ج ۷: ۱۲۹). از آن‌جا که ماهیت انفاق و پاداشی که در اثر آن به انسان داده می‌شود، برای انسان محسوس نیست، لذا امام سجاد (ع) همچون قرآن، از این عمل خداپسندانه به عنوان تجارتی سودمند که انسان را خوشنود می‌سازد تعبیر نموده تا انسان را برای این کار ترغیب نماید و از سود کلان آن بهره‌مند شود.

نعمت‌های الهی: نعمت‌هایی که پروردگار به انسان ارزانی داشته بسیار زیاد و غیر قابل شماره است. امام سجاد (ع) در برخی از فرازهای ادعیه صحیفه سجاده در قالب استعاره برخی از این نعمت‌ها را

۳. چه بسیار ابرهای بلا که بر سر من خیمه زده بود و تو آنها را پراکنده ساختی و چه بسا ابرهای آبتن از نعمت خود بر سر من فرستادی تا بر من ببارند و چه بسا جویباران رحمت که برای سیراب کردن من جاری کردی و چه بسا جامه‌های عافیت که بر تن من پوشیدی و چه بسا چشمان حوادث را که بر دوختی و چه بسا حجابهای غم و اندوه که به یک سو زدی.

۴. صاحب ریاض السالکین بر این عقیده است که ترکیب‌های «سحاب مکره» و «سحاب نِعْم» از باب استعاره است و فعل‌های «جلیتها» و «امطرتها» ترویج استعاره هستند. ایشان استعاره اول را این‌گونه اجرا کرده است: غم و اندوهی که در اثر مکره انسان را فرا می‌گیرد به ابر تشبیه شده و جامع در برگرفتن است. و در استعاره دوم نعمت به باران تشبیه شده و مشبهه حذف شده و با ذکر سحاب به آن اشاره شده است (ر.ک: مدنی، ۱۴۰۹، ج ۷: ۲۸۴).

۱. تو کسی هستی که در معامله با بندگان خود، همواره به سود آنان در بها می‌افزایی و می‌خواهی که در معامله با تو سود برند.
۲. چنان کن که در تجارت سود برم و بی هیچ زیان بازگردم.

وَحَلَّصْنِي مِنْ لَهَوَاتِ الْبُلُوِي^۲» (صحیفه سجاده‌یه: دعای ۴۷).

در این عبارت، خیال پویای امام سجاد (ع) در قالب استعاره تخیلی، دو تصویر ترسناک از فتنه‌ها و بلاهایی که انسان بدان‌ها گرفتار می‌شود ارائه داده و این دو مفهوم ذهنی را در پیش روی او ترسیم نموده است. در تصویر نخست، فتنه‌ها را همچون گرداب‌هایی مشاهده می‌کنیم که انسان را در خود فرو برده و سراسر وجود او را در بر گرفته‌اند. در تصویر دوم، بلاها به سان حیوان درنده‌ای مجسم شده‌اند که انسان را در حلق خود فرو برده و در حال بلعیدن او هستند.

یکی دیگر از نعمت‌های الهی خداوند به انسان رزق و روزی است که در هر لحظه از آن بهره‌مند می‌شود. امام سجاد (ع) در دعای بیست و پنجم برای درخواست روزی فراوان از خداوند، از استعاره تصویری استفاده کرده و می‌گوید: «وَأَدْرِزْ لِي وَعَلَى يَدِي أَرْزَاقَهُمْ^۳» (صحیفه سجاده‌یه: دعای ۲۵). در این عبارت، روزی که از امور ذهنی است به سان شیر^۴ که امری محسوس است، به تصویر کشیده شده است. کاربرد استعاری لفظ شیر برای روزی به این دلیل است که راحت به دست آمدن روزی برای فرزندان را به تصویر بکشد. به عبارت دیگر امام سجاد با این تعبیر می‌خواهد از خداوند درخواست نماید، همان‌طور که شیری که از حیوان دوشیده می‌شود به آسانی در دسترس انسان قرار می‌گیرد، روزی فرزندانم را به آسانی در دستان من جاری گردان تا بدین منظور متحمل زحمت و مشقت نشوم.

حوادث ناگواری که انسان را گرفتار می‌سازد، کور می‌شود تا راه به سوی انسان نبرد.

این تقابل در به تصویر کشیدن نعمت‌ها، در عبارت زیر نیز مشهود است: «وَأَفْتَحْ لِي يَا رَبُّ بَابَ الْفَرَجِ بَطْوَلِكَ، وَ أَكْسِرْ عَنِّي سُلْطَانَ الْهَمِّ بِحَوْلِكَ، وَ أَنْلِنِي حُسْنَ النَّظَرِ فِيمَا شَكَوْتُ، وَ أَذِقْنِي حَلَاوَةَ الصُّنْعِ فِيمَا سَأَلْتُ وَ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَ فَرَجًا هَنِيئًا^۱» (صحیفه سجاده‌یه: دعای ۷).

در عبارت نخست، آنچه سبب گشایش در امور زندگی انسان می‌شود، به دروازه‌ای تشبیه شده است که انسان برای ورود به محیطی محصور از آنجا داخل می‌شود. از این رو اسباب فرج و گشایش در زندگی به سان دری برای ورود به سوی راحتی و آسایش تصویر کشیده شده است. در تصویر دوم، امام سجاد (ع) از خداوند می‌خواهد، غم و اندوه را از ایشان دور نماید و بدین منظور تصویری از لشکریان غم و اندوه را پیش چشمان خواننده به تصویر در می‌آورد که به انسان حمله‌ور شده‌اند و خداوند این لشکریان را با قدرت خود درهم می‌شکند. در تصویر پایانی امام سجاد (ع) نیکی خداوند به بندگانش را به سان خوراکی لذیذ و یا نوشیدنی گوارایی ترسیم نموده است که به بندگان خدا خورانده می‌شود.

یکی دیگر از نعمت‌های الهی به انسان، نجات او از خطرات فتنه‌ها و بلاهاست. امام سجاد (ع) آنگاه که از خداوند می‌خواهد تا ایشان را از فتنه و بلا نجات دهد، می‌گوید: «وَنَجِّنِي مِنْ غَمْرَاتِ الْفِتْنَةِ،

۱. ای پروردگار من، به فضل خویش در آسایش بر من بگشای و به قدرت خویش سطوت اندوه را بر من بشکن و در آنچه زبان شکایت گشوده‌ام به رحمت نظر کن و مرا حلاوت استجابت در هر چه خواسته‌ام بچشان و از نزد خویش رحمتی و گشایشی خوشگوار بر من ارزانی دار.

۲. مرا از گردابهای فتنه رهایی بخش و از تنگنای بلا وارهان.

۳. و وظیفه روزی ایشان، برای من و بر دست من پیوسته گردان.

۴. «واژه دَرَّ برای کَبِن (شیر) وضع شده است و استعمال آن برای غیر شیر مجاز می‌باشد (زمخشری، ۱۹۷۹، ذیل ماده دَرَّ).

۳۲). این فراز از دعا دو تصویر را در خود جای داده است که هر دو در جهت هشدار و انذار بشر از رویارویی با آتش جهنم ترسیم شده‌اند. در تصویر نخست، امام سجاد (ع) تصویری مشابه تصویر آیه سی‌ام سوره «ق» ارائه می‌دهد. ایشان آتش جهنم را به سان حیوان سیری‌ناپذیر ترسیم نموده است که انسان‌ها را در خود هضم می‌کند و حتی لحظه‌ای از این امر باز نمی‌ایستد. تراکم شعله‌های این آتش چنان است که هرگاه طعمه‌ای از جسم انسان نیابد، پاره‌های آن یکدیگر را می‌بلعند. در تصویر دوم شعله‌های آتش جهنم به سان حیوانات درنده‌ای ترسیم شده است که برای شکار طعمه بر آن حمله‌ور می‌شوند. از این‌رو، مخاطب با شنیدن این فراز از دعا، در پیش روی خود صحنه‌هایی مخوف از جهنم را می‌بیند و او را وادار می‌کند تا از ارتکاب هر عملی که نتیجه آن دیدن چنین صحنه‌هایی است، پرهیز نماید. بدیهی است که صحنه‌های جهنم با آن توصیفاتی که قرآن از آن ارائه داده است، به مراتب سهمگین‌تر از مواجهه با حیوان درنده است، اما از آن‌جا که جهنم برای بشر به راحتی قابل ادراک نیست، امام سجاد (ع) با کمک مفاهیمی که در ذهن بشر نقش بسته (ترس از رویایی با حیوان درنده) در صدد ملموس ساختن آن برای انسان است تا او را به وسیله حس و خیال خود نسبت به خطرات و مصائب جهنم آگاه سازد.

بحث و نتیجه‌گیری

از آن‌چه در این پژوهش گفته شد به این نتیجه می‌رسیم که استعاره صرفاً یک آرایه ادبی نیست، بلکه یک فرایند زبانی است در جهت انتقال مفاهیم ذهنی و عینی کردن مفاهیمی که به راحتی قابل ادراک نیستند. این ابزار زبانی در همه علوم که

آتش جهنم: آتش جهنم و سختی‌ها و مصائب آن یکی از مهمترین انذارهای الهی در کتاب مقدسش قرآن است. خداوند در بسیاری از موارد برای برحذر داشتن از انسان از مواجهه با این عذاب دردناک از تصویرهایی خیالی و ترسناک بهره برده تا این خوف و حذر را در ذهن انسان مجسم نماید. از جمله در آیه «يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأَتْ وَتَقُولُ هَلْ مِنْ مَزِيدٍ» (ق: ۳۰). و نیز آیه: «إِذَا أُلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهيقًا وَهِيَ تَفورُ * تَكَادُ تَمَيِّزُ مِنَ الْغَيْظِ كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلُوهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ» (الملك: ۸).

امام سجاد (ع) نیز از آن‌جا که بیشتر دعا‌های خود را بر اصول و اهداف تربیتی بنا نهاده‌اند، برای برحذر داشتن انسان‌ها از رویارویی با چنین صحنه‌هایی از تصویرهایی محسوس و ملموس که ترس را در جان مخاطب برمی‌انگیزد، بهره برده است. ایشان در دعای سی‌ودوم از صحیفه جهنم را این‌گونه به تصویر کشیده است: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ تَغْلَطُتْ بِهَا عَلَى مَنْ عَصَاكَ، وَتَوَعَّدَتْ بِهَا مَنْ صَدَفَ عَنْ رِضَاكَ، وَمِنْ نَارٍ نُورُهَا ظُلْمَةٌ، وَهَيْئُهَا أَلِيمٌ، وَبَعِيدُهَا قَرِيبٌ، وَمِنْ نَارٍ يَأْكُلُ بَعْضُهَا بَعْضٌ، وَيَصُولُ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ»^۳ (صحیفه سجاده: دعای

۱. آن روز که [ما] به دوزخ می‌گوییم: «آیا پر شدی؟» و می‌گوید:

«آیا باز هم هست؟»

۲. چون در آنجا افکنده شوند، از آن خروشی می‌شنوند در حالی که می‌جوشد. نزدیک است که از خشم شکافته شود. هر بار که گروهی در آن افکنده شوند، نگاهبانان آن از ایشان پرسند: «مگر شما را هشداردهنده‌ای نیامد؟»

۳. ای خداوند، پناه می‌برم به تو از آتشی که به لهیب آن هر که را از تو فرمان نبرد به سختی بیم داده‌ای و هر که را در راه خشنودی تو گام نزند، به عذاب تهدید کرده‌ای، از آتشی که روشنایی آن تاریکی است و اندک آن دردناک است و اگر چه دور باشد گویی نزدیک است، از آتشی که شعله‌هایش یکدیگر را می‌بلعند و بر یکدیگر می‌پیچند.

با زبان سر و کار دارند، یافت می‌شود، اما کاربرد آن در متون ادبی و متون دینی که مفاهیم انتزاعی و غیر حسی در آن‌ها بیشتر به کار می‌رود، از بسامد بیشتری برخوردار است. امام سجاد (ع) نیز استعاره را به عنوان یکی از ابزارهای تصویرگری مفاهیم پیچیده ذهنی، و نکات دقیق تربیتی و اعتقادی قرار داده است تا آنچه را که از محدوده حواس انسان خارج است، به واسطه خیالی عمیق در صفحه ذهن او ترسیم نماید. نکته‌ای که نباید از نظر دور داشت، تأثیر روانی استعارات به کار رفته در صحیفه سجادیه است؛ زیرا امام سجاد (ع) در مواقعی از استعاره سود برده است، که سیاق و بافت متن آن را می‌طلبد، از این رو اگر خواننده سیاق کلام را به خوبی دریابد، کارکرد روانی استعارات را در خود خواهد یافت.

منابع

- قرآن کریم.
صحیفه سجادیه.
ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، (۱۹۷۳م)، تأویل مشکل القرآن، تحقیق: احمد صقر، القاهرة: دار التراث.
ابن معنز، عبدالله، (۱۹۸۲م)، البديع، اعنتی بنشره وتعلیق المقدمة والفهارس: إغناطيوس كراتشوفسكي، بيروت: دار المسيرة، الطبعة الثالثة.
ابوالقاسم حسين بن محمد المعروف بالراغب الاصفهاني (د.ت)، المفردات في غريب القرآن، مكة المكرمة: مكتبة نزار مصطفى الباز.
ارسطو، (۱۹۴۸م)، نامه ارسطو طاليس درباره هنر شعر، ترجمه سهيل افنان، لندن: لوزاك و همكاران (Luzac and Co).
الأمدي، حسن بن بشر، (د.ت)، الموازنة بين شعر ابي تمام و البحترى، تحقيق: احمد صقر، القاهرة: دار المعارف، الطبعة التاسعة.
الاستاني، محمود، (۱۴۱۳ق)، تاريخ الأدب العربي في ضوء المنهج الاسلامي، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية (مؤسسة الطبع والنشر للآستانة الرضوية المقدسة)، الطبعة الاولى.
جاحظ، عمرو بن بحر (۱۹۹۸م)، البيان والتبيين، تحقيق: عبدالسلام محمد هارون، القاهرة: مكتبة الخانجي، الطبعة السادسة.
جرجاني، عبدالقاهر، (۲۰۰۶)، اسرار البلاغة، تقديم وتعليق عرفان مطرجي، بيروت: مؤسسة الكتب الثقافية، الطبعة الاولى.
_____، (۲۰۰۷م)، دلائل الإعجاز، تحقيق محمد رضوان الداية وفاز الداية، دمشق: دارالفكر، الطبعة الاولى.
حسين، عبدالقادر، (۱۹۹۸م)، أثر النحاة في البحث البلاغي، القاهرة: دار غريب للطباعة والنشر والتوزيع.
راغب، عبدالسلام احمد، (۱۳۸۷ش)، کارکرد تصویر هنری در قرآن، ترجمه سید حسین سیدی، تهران: انتشارات سخن، چاپ اول.
الرماني، علي بن عيسى، (۱۹۸۶م)، النكت في اعجاز القرآن (ضمن ثلاث رسائل في اعجاز القرآن)، تحقيق: محمد خلف الله ومحمد زغلول سلام، القاهرة: دار المعارف.
الزمخشري، (۱۹۷۹م)، اساس البلاغة، بيروت: دار صادر، الطبعة الاولى.
السامرائي، مهدي صالح، (۱۹۷۷م)، المجاز في البلاغة العربية، سورية: دار الدعوة.
شفيعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۷۵ش)، صور خیال در شعر فارسی، تهران: انتشارات آگاه.
ضیف، شوقی (بی تا)، البلاغة تطور وتاریخ، القاهرة: دار المعارف، الطبعة التاسعة.
_____، (۱۳۸۳ش)، تاریخ و تطور علوم

- بلاغت، ترجمه: محمد جواد ترکی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- العسکری، ابوهلال حسن بن عبدالله، (۱۳۱۹ق)، کتاب الصناعيتين الكتابه والشعر، تحقیق: محمد امین الخانجی، الآستانه: مطبعة محمود بك، الطبعة الاولى.
- فراء، أبو زكريا يحيى بن زياد (بی تا)، معانی القرآن، تحقیق: أحمد يوسف النجاتی ومحمد علی النجار وعبد الفتاح إسماعيل الشلبي، مصر: الدار المصرية للتأليف والترجمة، الطبعة الاولى.
- القاضي الجرجاني، علی بن عبدالعزيز، (۲۰۰۶م)، الوساطة بين المتنبي وخصومه، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهيم وعلی محمد البجاوی، صيدا:
- المكتبة العصرية، الطبعة الاولى.
- قدامة بن جعفر، ابوالفرج، (بی تا)، نقد الشعر، تحقیق: محمد عبدالمنعم خفاجی، بیروت: دار الكتب العلمية.
- مدنی، سید علیخان بن أحمد، (۱۴۰۹ق)، ریاض السالكين فی شرح صحیفه سید الساجدين، تحقیق: محسن حسینی امینی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، الطبعة الاولى.
- Lakoff, G. & M. Johnson. (1980). *Metaphors We Live By*. Chicago and London: University of Chicago Press.
- Lakoff, G. (1993), "The contemporary theory of metaphor", In Geeraerts, Dirk (Ed.). (2006) *Cognitive linguistics: basic readings (Cognitive linguistics research; 34)*. Mouton de Gruyter Berlin, New York, pp. 185-238.